

اولین عزاداری‌ها تا کشته شدن قاتلان

۱ به دلیل وابستگی امام حسین^(ع) به پیامبر اسلام^(ص) و جایگاه اجتماعی آن حضرت، سوگواری برای ایشان از گستره بیشتری برخوردار است. به گونه‌ای که حتی سال شهادت امام حسین^(ع) را هم «عام‌الحرز» یا «سال اندوه» می‌نامند. گریه‌کردن مردم کوفه هنگام دیدن خاندان پیامبر به صورت اسیر و به هنگام شنیدن خطبه‌های این خاندان، اقامه ماتم بر سر مزار امام حسین^(ع) در وقت بازگشت از شام در راه مدینه، عزاداری ام‌سلمه و مردم مدینه، درپی اعلام رسمی خبر شهادت امام از سوی حکومت و بازگشت اهل بیت^(ع) به مدینه، گریه و اندوه برخی صحابه، تابعین و حتی توابعین بر سر مزار امام به هنگام حرکت برای نبرد با شامیان، نشان‌دهنده همین عمق از سوگواری است.

این سوگواری‌ها - که تا زمان کشته شدن قاتلان امام حسین^(ع) ادامه دارد- به دلیل نداشتن شکل آیین مذهبی، سوگواری شخصی خاندان امام و دوستان‌ارن ایشان است. پس از این دوران است که امامان شیعه تلاش می‌کنند سوگواری امام حسین^(ع) به صورت آیینی مذهبی درآید و به میان توده مردم راه یابد.

پایه‌گذاری عزاداری دهه محرم

۲ تلاش‌های تکمیلی امام موسی کاظم^(ع) و امام رضا^(ع) است که معیار سنجش رفتارهای آیینی در امر عزاداری قرار می‌گیرد. در دوره لزوم، بزرگداشت و عزاداری روز عاشورا برای شیعیان، مشخص شده است و زمینه برای گسترش و تکمیل آن فراهم است، از این‌رو امام کاظم^(ع) ضمن تشویق مرثیه‌سرایان با آشکار کردن حزن خود از اول محرم تا روز عاشورا، عزاداری دهه اول محرم را پایه‌گذاری و در حقیقت ادب سوگواری روز عاشورا را برای شیعیان ترسیم می‌کنند؛ بدین معنا که آنان باید به استقبال روز عاشورا بروند و از نه روز قبل به این مهم توجه کنند تا اینکه روز عاشورا عزاداری در حد مطلوب و در اوج خود برگزار شود. تلاش‌های امام رضا^(ع) نیز بیشتر برای تحکیم این آموزه‌ها و تبدیل شدن آن‌ها به آیینی استوار است؛ به همین دلیل است که در ادامه، شاهد توجه و احترام فراوان آن حضرت به دعبل خزاعی، مرثیه‌سرای معروف آن دوران، هستیم که قصیده‌ای طولانی نیز در رثای اهل بیت پیامبر به‌ویژه امام حسین^(ع) سروده است.

خوانده شدن چنین مرثیه‌ای در جلسه‌ای عمومی و نزد مأمون، خلیفه عباسی، نشانگر فراهم شدن زمینه گسترش عزاداری(از نوع مرثیه‌خوانی و گریه) است. امام رضا^(ع) همانند امامان پیشین، عظمت مصیبت روز عاشورا را یادآوری و شیعیان را تشویق می‌کنند که کار کردن در این روز را تعطیل کنند. توصیه امام رضا^(ع) به یاد مصیبت جدشان امام حسین^(ع) و گریه بر ایشان در امور(پیشامدهای) گریه‌آور، به دلیل عمق فاجعه کربلا و شایستگی شهادی آن، باعث گسترش ذکر مصیبت امام حسین^(ع) به حوزه اندوه‌ها و سوگ‌های شخصی می‌شود. گسترش سوگواری از روز عاشورا به دور اول محرم که همچنان جاری است، در این دوره رخ می‌دهد؛ زیرا هم حرمت ماه حرام شکسته شده و هم فرزند پیامبر^(ص) به شهادت رسیده است. همین تأکیدها، بسیاری از آداب محرمی را پایه‌گذاری می‌کند.

مروری بر سیر تاریخی عزاداری امام حسین^(ع) تا ابتدای دوره قاجار

سوگی که همیشه جمعی بوده است



نگاره‌ای از روضه الشهدای کاشفی با موضوع قیام عاشورا - اوایل دوره صفویه

بیا! اولین کسانی که به اقامه عزا می‌پردازند، اهل بیت امام حسین^(ع) هستند. امامان پس از آن حضرت نیز به فراخور اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر خود، مجالس عزا برپا کرده، شیعیان را بدین امر تشویق می‌کنند. با شکل‌گیری دولت شیعی در قرن چهارم، عزاداری امام سوم شیعیان شکل رسمی به خود می‌گیرد و به اشکال مختلف در سرزمین‌های تحت حاکمیت آل‌بویه و فاطمیان برگزار می‌شود. بعدتر در دوره‌های حاکمیت حاکمان غیرشیعی نیز تلاش گروه‌های شیعی، مانع تعطیلی این مراسم می‌شود تا اینکه با روی کار آمدن صفویان، این عزاداری دوباره شکل رسمی می‌یابد. در این نوشتار نگاهی انداخته‌ایم بر مراحل و سیر تاریخی عزاداری در دوره خود امامان شیعه و سپس مروری کرده‌ایم تا پایان همین دوره را که آغاز قاجاریه در ایران نیز به شمار می‌رود.

اولین عزاداری رسمی در سال ۳۵۲قمری

به نظر می‌رسد اگر دوران رسمی شدن عزاداری در بغداد و مصر پیش نمی‌آمد، مورخان همین گزارش‌ها را نیز انعکاس نمی‌دادند، اما وقتی دولت‌های شیعی تشکیل می‌شود و شیعیان، نهادهای رسمی رادراختیار می‌گیرند، مورخان ناچار به گزارش احوال آنان می‌شوند که یکی از آن گزارش‌ها عزاداری رسمی است و پیروان، عزاداری‌های پیشین نیز محل توجه قرار می‌گیرد و گزارش می‌شود. با آغاز سده چهارم، دولت آل‌بویه در ایران و دولت فاطمیان در شمال آفریقا پدید می‌آیند و در نیمه دوم این سده، ایران(به جز مناطق شرقی) و مرکز عراق دراختیار دولت

آل‌بویه، و شمال‌شرق آفریقا، مصر، شام و فلسطین نیز دراختیار دولت فاطمی است.

دوران رسمیت عزاداری امام حسین^(ع) از سال ۳۵۲قمری آغاز می‌شود که در آن معزالدوله دیلمی، حاکم بویه بغداد، طی فرمانی از مردم می‌خواهد روز عاشورا در معابر حاضر شوند و به عزاداری برای امام حسین^(ع) بپردازند. پس از آنکه فرمان عزاداری علنی را معزالدوله صادر می‌کند، این امر به صورت آیین و سنت سالانه درمی‌آید و شیعیان هر ساله در روز عاشورا به خیابان‌ها و بازار می‌آیند و به عزاداری می‌پردازند.

یک دهه بعد، دولت فاطمیان در مصر نیز

اولین ممنوعیت عزاداری‌های رسمی

عزاداری و حضور هر ساله شیعیان در روز عاشورا در خیابان‌ها و بازار، بر اهالی بغداد گران می‌آید و گاهی به‌درگیری آنان با شیعیان می‌انجامد. به مرور که دولت بویه رو به ضعف می‌گراید، مخالفت خود را بیشتر می‌کند که پیامد آن، درگیری‌های شدید بین سنیان و شیعیان در این روز است ؛بدین دلیل است که در دهه‌های آخر حکومت آل‌بویه - که وزیران آن‌ها بر بغداد حکم می‌راندند- برخی وزرا به منظور رعایت نظم و حفظ خون‌ها، از شیعیان می‌خواهند از برگزاری مجالس عمومی عزاداری خودداری کنند و حتی

سده‌های دهم و یازدهم

با تاج‌گذاری شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷، تشیع رسمیت می‌یابد. دوران او و شاهان بعدی خاندان صفوی، از نظر علنی شدن و تظاهرات عمومی عزاداران و شدت آن، به دوران حکومت‌های شیعی آل‌بویه و فاطمیان در سده‌های چهارم و پنجم شباهت دارد. شاهان صفوی به عزاداری امام حسین^(ع) اهتمام ویژه دارند، تا آنجا که در لشکرکشی‌ها و جنگ‌ها، وقتی ایام محرم و روز عاشورا فرامی‌رسد، از این امر غافل نمی‌شوند. در محرم سال ۱۰۱۳ قمری که شاه‌عباس، قلعه ایروان را در محاصره دارد، شیعیان عاشورا عزاداری امام حسین^(ع) را برپا می‌کند و چنان شیون و فریادی از لشکر وی برمی‌خیزد که ساکتان قلعه گمان می‌کنند فرمان حمله شبانه به آن‌ها صادر شده است، لذا پیک می‌فرستند و آمادگی خود را برای تسلیم اعلام می‌کنند. نمونه دیگر، قصیده معروف محتشم کاشانی است. گویا وی قصیده‌ای در مدح فرزند

سده ۹

این قرن، با ترک تازی‌های تیمورلنگ شروع می‌شود، اما فرزندش، شاه رخ، برخلاف او فضای ترویج فرهنگ و عمران را پدید می‌آورد و در بازسازی خرابی‌های پدر می‌کوشد و حتی همسرش دستور ساخت مسجد گوهرشاد را درکنار حرم رضوی می‌دهد. از این گونه حرکات برمی‌آید که در این زمان، آزادی‌های نسبی برای شیعیان وجود داشته است تا شاعران خود را بروز دهند. شاهد دیگر، وجود حکومتی شیعی در غرب ایران به نام «آق‌قویونلو» ست. یک ایرانی‌گردوسی به نام «نی‌کی‌تین» نیز که اواخر این قرن(۸۸۰قمری) به شهری سفر کرده است، از حرکت دستجات عزاداری در این شهر می‌گوید.

سده ۸

آغاز این سده مصادف است بادوران حکومت غازان خان و سپس برادرش سلطان محمد خدابنده که گرایش شیعی دارند. گرایش حاکم مغول به تشیع، فضایی فراهم می‌آورد تا شیعیان آزادانه شاعر خود را که یکی از آن‌ها عزاداری امام حسین^(ع) است، ابراز کنند. ابن بطوطه(وفات ۷۷۹قمری) در گزارش سفر خود، از شهرهای شیعه نشین حله، بحرین، قم، کاشان، ساوه و طوس نام می‌برد. از اشعار فراوانی که در کتاب روضه‌الشهدای کاشفی(تألیف سال ۹۰۸ قمری) به چشم می‌خورد، می‌توان فهمید قبل از این دوران یعنی در سده هشتم و نهم، اشعار فراوانی در رثا و مصیبت امام حسین^(ع) سروده و خوانده می‌شده است که کاشفی، بعدها آن‌ها را در کتاب خود آورده و جمع کرده است.

سده ۷

در نیمه اول سده هفتم که هنوز مغولان بر بغداد استیلا نیافته‌اند، مراسم عزاداری و مقتل خوانی در پايتخت خلافت عباسی برپا می‌شود. مولوی، شاعر این قرن، نیز در یکی از تمثیل‌های خود در مثنوی فصاحت‌الروافض، نوشته علنی در شهر حلب، اشاره می‌کند و سیدبن طاووس، عالم مشهور و گران‌قدر شیعی همین قرن، هم در کتاب اقبال‌الاعمال، خود به فرصت دهه محرم برای عزاداری، اشاره و از آن دفاع می‌کند. در دهه‌های پایانی این سده، یکی از جانشینان هلاکو به نام غازان خان، شیعه می‌شود و به زیارت کربلا می‌رود که همین اقدامات، زمینه آزادی شیعیان در ابراز شاعران خود را فراهم می‌آورد.

سده ۶

عبدالجلیل رازی قزوینی در کتاب النفض که در حدود سال ۵۱۰قمری نوشته شده است، از عزاداری شیعیان می‌گوید. او عقاید امامیه و رد اتهامات مخالفان و در نفض کتاب «بعضی فصائح‌الروافض» نوشته است و در آن شمای روشنی از عزاداری شیعیان در روز عاشورا می‌دهد. جمله‌ای که در پایان کتاب می‌آید، حکایت از تمسخر این آیین توسط نویسنده سنی‌مذهب دارد، «این طایفه روز عاشورا، اظهار جزع و فزع کنند و رسم تعزیت را اقامت کنند و مصیبت شهدای کربلا تازه گردانند بر منبرها و قصه گویند و علما سر برهنه کنند و عوام، جامه چاک کنند و زنان روی خراشند و مویه کنند».

زمینه‌سازی و تبیین آیین عزاداری

۲ پس از شهادت امام حسین^(ع)، امام سجاد^(ع) در مدینه ساکن می‌شوند و تا پایان عمر(سال‌ها پس از کشته شدن ابن‌زباد و دیگر قاتلان دشت نینوا) از هر فرصتی برای یادآوری ماجرای کربلا استفاده می‌کنند، تا جایی که هرگاه می‌خواهند آب بیاشامند، گریه می‌کنند و یاد شهدای کربلا را زنده می‌دارند. ایشان، دیگران را نیز برای گریه بر امام ترغیب می‌کنند و آن را مایه نجات از عذاب و قرار گرفتن در دایره امن الهی می‌دانند. امامت امام باقر^(ع) اما حدود سه دهه بعد از واقعه کربلا آغاز می‌شود. در این سی سال، قیام‌ها و وقایع تلخی رخ داده است و قاتلان امام حسین^(ع) به دست مختار کشته شده‌اند، اما هیچ کدام مانع از آن نمی‌شود که امام باقر^(ع) واقعه عاشورا را به فراموشی بسپارند. از آنجا که ایشان برای جویندگان دانش‌های دینی، مرجعیت علمی و دینی دارند، تلاش بیشتری برای پی‌ریزی آیین عزاداری در مذهب تشیع می‌کنند. آن حضرت علاوه بر تشکیل مجلس مرثیه‌خوانی در منزل خود و تشویق مرثیه‌سرایان، از شیعیان می‌خواهند تا آنجا که مقدور است، برای سیدالشهدا^(ع) عزاداری کنند، بنابراین در زمان ایشان، تشکیل مجلس عزاداری در منازل بنیان‌گذاری می‌شود. در دوره بعدی که دوران امامت امام صادق^(ع) است و حدود نیم‌قرن از شهادت سیدالشهدا گذشته است، شمار شیعیان رو به فزونی است و بنی‌امیه نیز دوران انحطاط و سقوط خود را می‌گذرانند. در این سال‌ها که دولت جدید عباسی شکل گرفته است و شیعیان از آزادی بیشتری برخوردارند، فرصتی فراهم می‌شود تا امام، اصول و قالب کلی عزاداری را برای شیعیان تبیین کنند.

نوحه‌گری در عصر غیبت

۴ مورخان، گزارشی از برگزاری مجلس عزاداری امام جواد^(ع) و امامان بعدی ثبت نکرده‌اند. امامد این دوره با نفوذ تشیع، از نوع مذهبی با گرایش‌های دوازده‌امامی، زیدی و اسماعیلی، چند قیام شیعی به بار می‌نشیند و حتی در محدوده طبرستان، حکومت تشکیل می‌دهند(سال ۲۵۰ هجری قمری و هم‌زمان با امامت امام حسن عسکری^(ع))، از این‌رو نمی‌توان این دوران را نیز خالی از عزاداری دانست، کم‌اینکه منتصر عباسی که در سال ۲۴۸ پس از مرگ پدرش متوکل به خلافت می‌رسد، از مردم می‌خواهد همچون گذشته به زیارت کربلا بروند. او آزار رساندن به شیعیان را ممنوع می‌کند و حتی دستور می‌دهد مرقد امام حسین^(ع) را دوباره بسازند، از این‌رو مزاحمتی برای زائران حسینی وجود ندارد و آن‌ها در روزهای عاشورا، عرفه و نیمه شعبان بر مزار امام حسین^(ع) حاضر می‌شوند و ضمن زیارت، مرثیه‌خوانی و نوحه‌گری نیز می‌کنند. از عصر غیبت صغری نیز متونی به گریه و زاری مردم بر سر قبر امام حسین^(ع) و عزاداری به صورت مرثیه‌خوانی دلالت دارد. ابن‌اثیر در حوادث سال‌های پایانی قرن سوم(سال ۲۹۶قمری)، از حضور شیعیان بر سر مزار حضرت و گریه و زاری برای ایشان گزارش می‌دهد. قاضی ابوعلی محسن بن علی تنوخ(وفات ۳۸۴قمری) نیز در «نشوار المحاضره» نقل می‌کند که یک نوحه‌گر به نام «ابن‌اصدق» در زمان خفقان و تسلط حنابله بر بغداد، به نوحه‌گری برای امام حسین^(ع) اشتغال داشته است. در همین دوره، گزارشی از صدور دستور قتل نوحه‌گری به نام «خلب» توسط «بربهاری»، رئیس حنابله بغداد(وفات ۳۲۹قمری)، در دست است که در منازل به‌طور مخفیانه برای امام حسین^(ع) نوحه‌گری می‌کرده است. ابن حجر نیز در لسان‌المیزان در بیان زندگی نامه یک شاعر شیعی(الناشئ الصغیر ابوالحسن الحلا علی بن عبدا... متولد ۲۷۱قمری) از مرثیه‌خوانی با اشعار او در سال ۳۴۶ قمری گزارش می‌دهد که در آن، خود وی و مردم دوروبرش تا ظهر آن روز به گریه و زاری می‌پرداختند.

شاه‌طهماسب صفوی سروده است که شاه از او می‌خواهد به جای این گونه اشعار، در رثا و مدح ائمه اطهار^(ع) شعر بسراید و اونیز ترکیب‌بندی در مدح امام علی^(ع) می‌سراید و پس از آن درپی دیدن خوابی، ترکیب‌بند معروف «باز این چه شورش است... سروده می‌شود. علاوه بر آن، خود شاهان در مراسم عمومی روز عاشورا در میدان شهر حاضر می‌شوند و دستجات عزاداری از جلوی آن‌ها عبور می‌کنند. همچنین در دهه اول محرم، مردم همه لباس عزای می‌پوشند. افندی، نویسنده سال‌های پایانی دوره صفویه، درباره عزاداری می‌نویسد: «سال‌هاست که در آیین ملوک و سلاطین صفویه در دهه اول محرم به‌ویژه روز عاشورا در همه مناطق ایران برای امام حسین^(ع) بدین شیوه عزاداری شده [است]...». عزاداری امام حسین^(ع) به همین شیوه تا امروز به صورت رسمی و عمومی در کشور ما برگزار شده است. این آیین اگرچه در دوره کوتاهی به فرمان رضاشاه پهلوی با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شود، چنان‌قوام گسترشی دارد که امروز یکی از مراسم باشکوه آیینی جهان به‌شمار می‌رود.